

شکوه عرفان ولایی در سیره سیداحمد کربلایی



حجت‌الاسلام والمسلمین ام‌الله شجاعی‌راد، به مناسبت ۲۷ شوال سالروز درگذشت عارف و سالک و حکیم بزرگ شیعه حضرت آیت‌الله‌العظمی سیداحمد موسوی کربلایی(ره) است، یادداشت زیر را در اختیار ایکنای خوزستان قرار داده است که تقدیم مخاطبان می‌شود: در یکی دو قرن اخیر مکتب عرفانی شیعی جدیدی پدید آمده و عرفایی پای به عرصه وجود گذاشتند که مهمترین خصیصه آنها اجتهاد و فقاقت آنان است. از پایه‌گذاران اصلی این مکتب جدید می‌توان از حضرات آیات عظام مرحوم سیدعلی شوشتری به عنوان احیاگر این مکتب و ملاحسینقلی همدانی، شیخ محمد بهاری، سیداحمد کربلایی، سیدعلی قاضی طباطبایی، علامه طباطبایی، امام خمینی و آیت الله بهجت نام برد. بی‌تردید در این دنیای تشنه معنویت امروز که انسانها به دنبال چشمه‌های صاف و گوارا هستند این عرفان ولایی شیعی می‌تواند تشنگی انسان معنویت‌گرای جهان امروز را سیراب کند؛ عرفانی که هم از ظاهر نمایی‌های ریاکارانه صوفیه به دور و هم از کج‌اندیشی‌های عرفان‌های نوظهور و کاذب، ساختش مبرا است و با تکیه به عرفان ناب شیعی و فرهنگ ناب اهل بیت(ع) و مستند به اجتهادات کارشناسانه، راه خود را ادامه می‌دهد. سیدعلی آقا شوشتری و ملاحسینقلی همدانی(ره) که از بنیان‌گذاران این مکتب عرفانی هستند خود فقهای بزرگ بودند که در مکتب فقهی شیخ اعظم انصاری(ره) تربیت یافتند و آثار فقهی و تقریرات دروس آنان نشان از تسلط شان به مبانی و آراء فقهی دارد. هماهنگی علوم شرعی و نقلی با شهودات عرفانی و تحفظ بر معرفت نفس، معجونی عجیب از این مکتب اخلاقی ساخته است و به عبارت دیگر تعبد تمام به مسائل شرعی و کسب علوم شرعی که به فقه اصغر نام گرفته و در کنار آن اهتمام کامل به شناخت و معرفت نفس و محاسبه و مراقبه و کشیک کشیدن از آن که روح و جان اعمال است و به فقه اکبر شناخته شده، از ارکان ساختاری این نظام اخلاقی است. چنین مکتبی با این ویژگی‌ها توانسته است هم خود را از صوفیان ظاهر نما و بریده از شرع جدا سازد و هم از قیل و قال علوم رسمی به دور باشد. علم فقه و علم عرفان در این مکتب چون شیر و شکر بهم آمیخته شده‌اند. سید احمد کربلایی، علوم نقلی را در مسقط الرأس خویش و در حوزه کربلا آغاز کرد و سپس اندکی بعد از سال ۱۳۰۰ هجری قمری به حوزه پروونق سامرا که مجدد بزرگ میرزای شیرازی برپا کرده بود شتافت تا در کنار دیگر بزرگان و شاگردان مکتب این فقیه ژرف اندیش به خوشه چینی بپردازد. سپس با در گذشت استاد به حوزه علمیه نجف اشرف پا گذارد و از فقهای بزرگی چون میرزا حبیب‌الله رشتی و میرزا حسین خلیلی تهرانی و آخوند خراسانی و شیخ علی خاقانی فقه و اصول را به تمام و کمال فرا گرفت. فراگرفتن فقه و اصول از چنین فقهای بزرگی از سید احمد کربلایی فقیهی سترگ و آشنا به مبانی فقهی متبحر در فقه و حدیث و اصول فقه رجال و جامع معقول منقول ساخت و توانست با حصول ملکه استنباط احکام شرعی به مرتبه‌ای والا از اجتهاد دست یابد. فقیه ژرف اندیش ما در کنار درس گرفتن از بزرگان، خود حوزه درسی تشکیل داده و طلاب و فضلاء جوان در حلقه درسی او شرکت کردند و از آرای ناب فقهی و نبوغ وی بهره گرفتند. آیت‌الله‌العظمی نجفی مرعشی(ره) درباره استاد خود می‌نویسد: حاج سیداحمد موسوی مشهور به کربلایی از مدرسین علم اخلاق در نجف اشرف از شاگردان اخلاقی بزرگ و مشهور ملاحسینقلی همدانی بوده است. من حضور این سید را درک کرده و بعضی از دعاها و ذکرها و او را از او فراگرفتم و آنها را در کتبی که در این موضوع نگاشته‌ام درج کرده‌ام. ایشان در کتاب «الاجازة الکبيرة» در ضمن زندگینامه علمایی که آنها را درک کرده ولی از آنها روایت نکرده است مگر با واسطه، می‌نویسد سیداحمد فرزند سیدابراهیم موسوی اصالتاً تهرانی بوده است. وی در کربلا به دنیا آمده است و مقدمات علوم را در همان جا گذرانده سپس به نجف اشرف رفته و مدرس میرزای شیرازی را درک کرده است و سپس از محضر میرزا حبیب‌الله رشتی و میرزا حسین خلیلی تهرانی بهره برد تا آنکه به مرتبه اجتهاد نائل شد و از همان زمان به تهذیب نفس و تزکیه آن پرداخت و در محضر اخلاقی بزرگ و عارف مشهور ملاحسینقلی همدانی شاگردی کرد و بعد از وفات استادش، بسیاری از فضلا و اهل سلوک در محضر او حاضر می‌شدند. خدای او را بیامزد که بسیار گریه می‌کرد و نسبت به خداوند بسیار خاشع بود و در این راه از ملامت هیچ ملامت‌کننده‌ای هراس به دل راه نمی‌داد از کثرت گریه یکی از چشمانش نابینا شد و به واحد العین لقب گرفت. او اکثر اوقات به مسجد سهله می‌رفت و از مردم دوری می‌جست و به دعا و مناجات و گریه می‌پرداخت. وی در آخر تشهد در نماز عصر در روز جمعه ۲۷ شوال سال ۱۳۳۲ قمری از دنیا رفت و پیکرش پس از تشییع در فردای آن روز در صحن حضرت امیرالمؤمنین(ع) به خاک سپرده شد. سیداحمد کربلایی دارای رساله‌هایی است که به چاپ نرسیده است و همچنین نامه‌هایی به بعضی شاگردانش نوشته است که دارای فواید اخلاقی است و کیفیت راه سیر و سلوک را در آنها بیان داشته است. آن نامه‌ها را شاگردش شیخ اسماعیل عارف تبریزی که در شعر به تائب تخلص داشت با نامه‌های دیگر از ملاحسینقلی همدانی و شیخ محمد بهاری همدانی جمع کرده است و نام آن را «تذکرة المتقین» نهاد و آن را در زمان حیات آقا سید احمد به چاپ رسانید. آقا سیداحمد از علامه جلیل ملاحسینقلی همدانی و از علامه شیخ علی خاقانی و از ملا علی خلیلی روایت نقل می‌کند. مرحوم آیت‌الله علامه سید محمدحسین حسینی تهرانی در مقدمه «توحید علمی و عینی» شرح احوال نسبتاً مفصلی را از سید احمد می‌آورد و می‌نگارد. مرحوم آیت‌الله حاج سیداحمد تهرانی کربلایی از اعظم فقها و شیعه امامیه و از بزرگان حکمت و عرفان الهی بوده است، اما در حکمت و عرفان همین بس که پس از رحلت مرحوم عارف بی‌بدیل و حکیم مربی و مدرس وحید و فقیه عالیقدر حضرت آیت‌الله‌العظمی آخوند مولى حسینقلی همدانی رضوان

الله علیه در نجف اشرف با عدیل و همدریف خود مرحوم حاج شیخ محمد بهاری در میان سیصد تن از شاگردان آن مرحوم از مبرزترین شاگردان و از استادان وحید این فن بوده اند و پس از مهاجرت آیت‌الله بهاری به همدان، یگانه عالم اخلاق و مربی نفوس و راهنمای طالبان حقیقت در طی راه مقصود و ورود به سبل سلام و ارائه طریق لقای حضرت احدیت و سیر در معارج و مدارج کمال نفس انسانی و ایصال به کعبه مقصود و حرم معبود بوده است. شرح فضائل او از وصف خارج است، چه در میان علمای نجف اشرف و خواصی که با وی رفت و آمد داشته‌اند این مطلب معلوم است. مرحوم علامه حسینی تهرانی نیز در باره مقام علمی و فقهاتی وی می‌نویسد: «اما راجع به علم و فقهات، تضرع در علوم رسمی همین بس که در سن چهل سالگی او را نامزد برای مرجعیت شیعیان کردند و همه متفق القول او را به نبوغ علمی و تقوای روحی قبول داشتند، ولی مع ذلک خود او حاضر نشد نه فتوی دهد و نه رساله بنویسد و حتی از نماز جماعت هم در ملا عام همچون استاد قاضی و استاد علامه طباطبائی خودداری کرد. آیت‌الله سیدهاشم میردامادی (ره) جد مادری مقام معظم رهبری درباره استاد خود چنین می‌گوید: «این مرد (مرحوم حاج سیداحمد کربلایی) همواره حال انقطاع و توجه به خدا داشت گاهی با شاگردان مشغول صحبت بود و می‌خندید، در بین صحبت و خنده یک باره توجهی به خدا پیدا می‌کرد و از گوشه‌های چشم وی اشک جاری می‌شد و در آن حال به احدی توجه نداشت». شاگردان ۱- آیت‌الله سیدعلی قاضی طباطبائی (ره) (متوفای ۱۳۶۹ق). ۲- آیت‌الله سیدمحسن امین عاملی (ره) (متوفای ۱۳۷۱ق). ۳- آیت‌الله سیدمحمد کاظم لواسانی معروف به عصار (متوفای ۱۳۹۶ق). ۴- آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی (متوفای ۱۳۸۹ق). ۵- آیت‌الله محمد حسین شیرازی (متوفای ۱۳۳۹ق). ۶- آیت‌الله میرزا ابوالحسن شریعتمداری رشتی (متوفای ۱۳۶۸ق). ۷- آیت‌الله محمدرضا نائینی (متوفای ۱۳۶۱ق). ۸- آیت‌الله محمدرضا فرقانی (متوفای ۱۳۹۳ق). ۹- آیت‌الله شیخ محمدتقی بانقی (متوفای ۱۳۶۱ق). ۱۰- آیت‌الله سیدمحمدعلی حسینی تفرشی (متوفای ۱۳۵۸ق). ۱۱- آیت‌الله شیخ اسماعیل تبریزی مسئله‌گو معروف به تائب (متوفای ۱۳۷۶ق). ۱۲- آیت‌الله سیدابوالقاسم لواسانی. ۱۳- آیت‌الله سیدجمال‌الدین گلیایگانی. ۱۴- آیت‌الله میرزا عبدالله سعید تهرانی. ۱۵- آیت‌الله سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی (متوفای ۱۴۰ق). ۱۶- آیت‌الله میرزا مهدی اصفهانی (متوفای ۱۳۶۵ق). ۱۷- آیت‌الله سیدهاشم میردامادی نجف‌آبادی (جد مادری مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله). ۱۸- آیت‌الله میرزا محمود امام جمعه زنجان (متوفای ۱۳۷۶ق). ۱۹- آیت‌الله حاج آقا حسین قمی (متوفای ۱۳۹۹ق). ۲۰- آیت‌الله شیخ عباس قوچانی. آثار و تألیفات از این عارف بزرگ چهار اثر ثبت شده است که به بررسی آنها می‌پردازیم: ۱- نوشتجاتی در فقه و اصول: مرحوم سیدمحسن امین در گزارش خود فقط به همین مقدار اکتفا کرده است که وی دارای نوشتجاتی در فقه و اصول بوده است. به نظر می‌رسد بخشی از آنها تقریر دروس فقه و اصول استادان بزرگی چون میرزای شیرازی و میرزا حبیب‌الله رشتی و دیگران است که از محضرشان بهره برده است و شاید نوشتجاتی نیز از آراء خود در فقه و اصول بوده که متأسفانه تاکنون اثری از آنها و محتویاتشان به دست ما نرسیده است. ۲- اجازات: اجازه استاد به شاگرد و اجازات گوناگون علماء به یکدیگر نقش بسیار مهمی در انتقال نسل به نسل احادیث ائمه اطهار (ع)، ایفا کرده است، اگر چه امروزه بیشتر جنبه تشریفاتی دارد. سید احمد کربلایی نیز به تبع سلف صالح خویش اجازات متعددی به شاگردان خویش داده است، از جمله آن اجازه نامه متوسطی است که ایشان به شاگرد خویش مرحوم آیت‌الله محمد حسین بن میرزا خلیل الله بن الشیخ اسدالله بن الشیخ محمد علی بن الشیخ مفید شیرازی (متوفی سال ۱۳۳۹ق) داده‌اند. آقا بزرگ تهرانی این اجازه را در ذریعه با عنوان مستقل «اجازه» ذکر کرده است. گفتنی است که خود صاحب ذریعه علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی و آیت‌الله میرزا ابوالحسن شریعتمداری رشتی و آیت‌الله سیدمحمدعلی حسینی تفرشی از سید احمد کربلایی اجازه روایی داشته‌اند. ناگفته نماند که سیداحمد خود نیز از بعض استادان و معاصران خویش صاحب اجازه روایت بوده است؛ کسانی مانند استاد بزرگ ایشان ملاحسینقلی همدانی و آیت‌الله میرزا محمدحسین خلیلی تهرانی و آیت‌الله شیخ ملاعلی خاقانی آیت‌الله محمد بهاری همدانی و ملافتحعلی اراکی سلطان‌آبادی از مشایخ روایی وی هستند. ۳- مکاتبات عرفانی: این مکاتبات مشتمل است بر مباحث عالی عرفان نظری و فلسفه از دو عالم و حکیم بزرگ یکی عارف نامدار آقا سیداحمد حائری تهرانی و دیگر استاد و نابغه عصر خود فقیه و اصولی و حکیم فاضل آقا شیخ محمد حسین غروی اصفهانی در مقام بیان معنا و شرح یک بیت از منطق‌الطیر عطار نیشابوری است. سبب پیدایش این مکاتبات این است که یکی از طلاب جوان با ذوق حوزه علمیه نجف به نام شیخ اسماعیل تائب تبریزی که خود از شاگردان مرحوم سید احمد حائری است، ابتدا در نامه‌ای معنای یک بیت از دیوان عطار نیشابوری معروف به منطق‌الطیر را از مرحوم آخوند خراسانی استفتاء می‌کند شعر عطار این است: دائماً او پادشاه مطلق است در کمال عز خود مستغرق است او به سرناید ز خود آنجا که اوست کی رسد عقل وجود آنجا که اوست؟ مرحوم آخوند خراسانی صاحب کفایه الاصول جواب مختصری می‌دهند، اما پاسخ وی سائل را قانع نمی‌کند و سائل همان شعر را از مرحوم شیخ محمدحسین اصفهانی می‌پرسد و ایشان جواب مفصلی می‌نگارد. سائل پاسخ مرحوم اصفهانی را نزد عارف سیداحمد کربلایی ارائه می‌دهد و ایشان نیز جوابی می‌نویسد. از آنجا که جواب‌ها با هم مغایرند سائل پاسخ هریک را نزد دیگری می‌برد و مناظره و مباحثه علمی دامنه داری را بین این دو عالم بزرگ بر می‌افروزد که حاصل آن تبادل (۱۴) رساله و نامه بین آنان است. ۴- مکاتبات اخلاقی یکی از شاگردان دروس اخلاقی و عرفان ایشان، مرحوم شیخ اسماعیل تبریزی معروف به تائب ضمن جمع‌آوری نامه‌ها و نوشته‌های مرحوم آیت‌الله شیخ محمد بهاری همدانی به جمع‌آوری نامه‌های عرفانی نامدار دیگری چون ملاحسینقلی همدانی و آقا محمد بیدآبادی و سیداحمد کربلایی پرداخت و آنها را در مجموعه‌ای به نام «تذکره المتقین»

به چاپ رسانید. نامه‌های عرفانی و دستورالعمل‌های سیر و سلوک ایشان شامل چهار نامه است که وی به درخواست کسانی که از او دستورالعمل و راهنمایی در مسیر سیر و سلوک خواسته‌اند نگاشته است و متضمن بیان شرایط و آداب سلوک و بیان اذکار و اورادی است که سالک باید در این راه از آنها بهره‌گیرد و تأکید بر مطالعه در کتاب وجود خویش با بهره‌گیری از آیات و روایات است. نامه‌ها به تناسب روحیات مخاطبان آن متفاوت است. در یک نامه به ارائه دستورالعمل‌ها و نصایحی چند اکتفا می‌کند و نامه دیگر شلاقی است آتشین بر جان مخاطبی که بدون پذیرش رنج و زحمت چشم داشت الهام و اشراق را دارد و در قالب الفاظی تند او را مخاطب قرار می‌دهد. نمونه‌هایی از دستورالعمل‌های اخلاقی حضور عارف بزرگوار آقا سیداحمد کربلایی در محضر درس اخلاقی معروف ملاحسینقلی همدانی و بهره‌گیری از دستورالعمل‌های ایشان و همنشینی با عرفای بزرگی از شاگردان او مانند شیخ محمد بهاری همدانی و همچنین مکاشفات عرفانی و تهجدهای طولانی و طاقت‌فرسا از او عارفی بلند مرتبه ساخته است. ۱- یاد مرگ طالب حق جل و علا را از مرگ، خسرانی نرسد که «و من یخرج من بیته محاجرا الی‌الله و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع أجره علی الله» بلکه زودتر رسیدن به مطلوب است. مارا ز جام باده گلگون خراب کن ز آن پیشتر که عالم فانی شود خراب ۲- تفکر در نفس (معرفت نفس): و چون از ذکر مانده و خسته شود سربه‌گriپیان تفکر فرو برده فکر کند که من کی‌ام و کجایم از کجا آمده و به کجا می‌روم؟ و چنان در خود فرو رود که خود را یافت نماید که گویا در عالم وجود کسی نیست و از حضور باری جل و علا مسئلت کند که خداوند خودم را به خودم بشناسان. جان من به لب آمد از گفتن اینکه راه نجات و خلاص در استغراق ذکر الهی و تفکر در معرفت نفس و خودشناسی است و ذکر و فکر خود رهنمای تو خواهد شد. کمال اهتمام طالب بعد از توجه به حضرت حق جل و علا که تعبیر از آن به ذکر می‌شود، معرفت قلب و نفس است که تعبیر می‌شود به تفکر در نفس که «من عرف نفسه فقد عرف ربه»: «وفي انفسکم أفلأ تبصرون و سزیمه آیا تنا فی الافق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق» ۳- ادا واجبات و ترک محرمات ۴- مراقبه و محاسبه و مجازات طالب حضرت حق جل و علا را شایسته آن است که چون عزم بر خوابیدن کند محاسبه اعمال و افعال و حرکات و سکنت صادره از خود را از بیدار شدن شب سابق تا آن زمان تمام و کمال انجام دهد و از معاصی و اعمال ناشایسته واقعه از خود پشیمان شده و توبه حقیقی کرده و عزم بر آنکه انشاء الله در ما بعد به آن بازگشت نکند بلکه آن را جبران کند. ۵- توجه و توسل به امام زمان (عج) ان شاءالله تعالی مواظبت بر دوام توجه و توسل به حضرت حجت عجل الله فرجه که واسطه فیض زمان است ملحوظ داشته و بعد از هر نماز دعای غیبت که «اللهم عرفنی نفسک ...» و سه سوره توحید هدیه به آن بزرگوار و دعای فرج «اللهم عظم البلاء ...» را ترک نکند. ۶- خلوت با خدا در هر شبانه‌روز به ساعت خلوتی با خدا بپردازد و با مناجات و تضرع و خضوع به خدا توجه کند. ۷- تهجد و نماز شب مواظبت به تهجد و برخاستن سحر و اشتغال به نافله شب با کمال حضور و اقبال. دعای صحیفه را بعد از نماز شب ترک نکند. ۸- دائماً با وضو بودن ۹- احساس حضور حق تعالی در همه احوال و در جمیع حرکات و سکنت، حضرت حق جل و علا را حاضر و ناظر دانسته به قسمتی که اگر ممکن باشد آنی و طرفه‌العینی از حضور آن حضرت جل سلطانه غافل نشود. ۱۰- اهمیت خودشناسی راه نجات و خلاص، استغراق در ذکر الهی تفکر در معرفت نفس و خودشناسی است. مرگ زودرس روز جمعه ۲۷ شوال ۱۳۳۲ هجری قمری روزی غمبار برای حوزه علمیه هزار ساله نجف اشرف بود. در این روز سیداحمد کربلایی در میان چشمان ناباور علما و مراجع و شاگردانش به سوی آسمان پر کشید. وی مدت‌ها بود که از بیماری سل رنج می‌برد و به‌وسیله مادر خویش پرستاری می‌شد.

حجت الاسلام والمسلمین ام‌الله شجاعی راد، به مناسبت ۲۷ شوال سالروز درگذشت عارف و سالک و حکیم بزرگ شیعه حضرت آیت الله العظمی سیداحمد موسوی کربلایی(ره) است، یادداشت زیر را در اختیار ایکنای خوزستان قرار داده است که تقدیم مخاطبان می‌شود:

در یکی دو قرن اخیر مکتب عرفانی شیعی جدیدی پدید آمده و عرفایی پای به عرصه وجود گذاشتند که مهمترین خصیصه آنها اجتهاد و فقاقت آنان است. از پایه‌گذاران اصلی این مکتب جدید می‌توان از حضرات آیات عظام مرحوم سیدعلی شوشتری به عنوان احیاگر این مکتب و ملاحسینقلی همدانی، شیخ محمد بهاری، سیداحمد کربلایی، سیدعلی قاضی طباطبایی، علامه طباطبایی، امام خمینی و آیت الله بهجت نام برد.

بی تردید در این دنیای تشنه معنویت امروز که انسانها به دنبال چشمه‌های صاف وگوارا هستند این عرفان ولایی شیعی می‌تواند تشنگی انسان معنویت‌گرای جهان امروز را سیراب کند؛ عرفانی که هم از ظاهر نمایی‌های ریاکارانه صوفیه به دور و هم از کج‌اندیشی‌های عرفان‌های نوظهور و کاذب، ساختش مبرا است و با تکیه به عرفان ناب شیعی و فرهنگ ناب اهل بیت(ع) و مستند به اجتهادات کارشناسانه، راه خود را ادامه می‌دهد.

سیدعلی آقا شوشتری و ملاحسینقلی همدانی(ره) که از بنیان‌گذاران این مکتب عرفانی هستند خود فقهای بزرگ بودند که در مکتب فقهی شیخ اعظم انصاری(ره) تربیت یافتند و آثار فقهی و تقریرات دروس آنان نشان از تسلط شان به مبانی و آراء فقهی دارد. هماهنگی علوم شرعی و نقلی با شهودات عرفانی و تحفظ بر معرفت نفس، معجونی عجیب از این مکتب اخلاقی ساخته

است و به عبارت دیگر تعبد تمام به مسائل شرعی و کسب علوم شرعی که به فقه اصغر نام گرفته و در کنار آن اهتمام کامل به شناخت و معرفت نفس و محاسبه و مراقبه و کشیک کشیدن از آن که روح و جان اعمال است و به فقه اکبر شناخته شده، از ارکان ساختاری این نظام اخلاقی است. چنین مکتبی با این ویژگی‌ها توانسته است هم خود را از صوفیان ظاهر نما و بریده از شرع جداسازد و هم از قیل و قال علوم رسمی به دور باشد. علم فقه و علم عرفان در این مکتب چون شیر و شکر بهم آمیخته شده اند. سید احمد کربلانی، علوم نقلی را در مسقط الرأس خویش و در حوزه کربلا آغاز کرد و سپس اندکی بعد از سال ۱۳۰۰ هجری قمری به حوزه پرونق سامرا که مجدد بزرگ میرزای شیرازی برپا کرده بود شتافت تا در کنار دیگر بزرگان و شاگردان مکتب این فقیه ژرف اندیش به خوشه چینی بپردازد. سپس با در گذشت استاد به حوزه علمیه نجف اشرف پا گذارد و از فقهای بزرگی چون میرزا حبیب الله رشتی و میرزا حسین خلیلی تهرانی و آخوند خراسانی و شیخ علی خاقانی فقه و اصول را به تمام و کمال فرا گرفت. فراگرفتن فقه و اصول از چنین فقهای بزرگی از سید احمد کربلایی فقیهی سترگ و آشنا به مبانی فقهی متبحر در فقه و حدیث و اصول فقه رجال و جامع معقول منقول ساخت و توانست با حصول ملکه استنباط احکام شرعی به مرتبه ای والا از اجتهاد دست یابد.

فقیه ژرف اندیش ما در کنار درس گرفتن از بزرگان، خود حوزه درسی تشکیل داده و طلاب و فضلاء جوان در حلقه درسی او شرکت کردند و از آرای ناب فقهی و نبوغ وی بهره گرفتند. آیت الله العظمی نجفی مرعشی (ره) درباره استاد خود می نویسد: حاج سیداحمد موسوی مشهور به کربلایی از مدرسین علم اخلاق در نجف اشرف از شاگردان اخلاقی بزرگ و مشهور ملاحسینقلی همدانی بوده است. من حضور این سید را درک کرده و بعضی از دعاها و ذکرها و او را از او فراگرفتم و آنها را در کتبی که در این موضوع نگاشته ام درج کرده ام.

ایشان در کتاب «الاجازة الکبيرة» در ضمن زندگینامه علمایی که آنها را درک کرده ولی از آنها روایت نکرده است مگر با واسطه، می نویسد سیداحمد فرزند سیدابراهیم موسوی اصلتاً تهرانی بوده است. وی در کربلا به دنیا آمده است و مقدمات علوم را در همان جا گذرانده سپس به نجف اشرف رفته و مدرس میرزای شیرازی را درک کرده است و سپس از محضر میرزا حبیب الله رشتی و میرزا حسین خلیلی تهرانی بهره برد تا آنکه به مرتبه اجتهاد نائل شد و از همان زمان به تهذیب نفس و تزکیه آن پرداخت و در محضر اخلاقی بزرگ و عارف مشهور ملاحسینقلی همدانی شاگردی کرد و بعد از وفات استادش، بسیاری از فضلاء و اهل سلوک در محضر او حاضر می شدند. خدای او را پیامرزد که بسیار گریه می کرد و نسبت به خداوند بسیار خاشع بود و در این راه از ملامت هیچ ملامت کننده ای هراس به دل راه نمی داد از کثرت گریه یکی از چشمانش نابینا شد و به واحد العین لقب گرفت. او اکثر اوقات به مسجد سهله می رفت و از مردم دوری می جست و به دعا و مناجات و گریه می پرداخت.

وی در آخر تشهد در نماز عصر در روز جمعه ۲۷ شوال سال ۱۳۳۲ قمری از دنیا رفت و پیکرش پس از تشییع در فردای آن روز در صحن حضرت امیرالمؤمنین (ع) به خاک سپرده شد.

سیداحمد کربلایی دارای رساله هایی است که به چاپ نرسیده است و همچنین نامه هایی به بعضی شاگردانش نوشته است که دارای فواید اخلاقی است و کیفیت راه سیر و سلوک را در آنها بیان داشته است. آن نامه ها را شاگردش شیخ اسماعیل عارف تبریزی که در شعر به تائب تخلص داشت با نامه های دیگر از ملاحسینقلی همدانی و شیخ محمد بهاری همدانی جمع کرده است و نام آن را «تذکرة المتقین» نهاد و آن را در زمان حیات آقا سید احمد به چاپ رسانید. آقا سیداحمد از علامه جلیل ملاحسینقلی همدانی و از علامه شیخ علی خاقانی و از ملا علی خلیلی روایت نقل می کند.

مرحوم آیت الله علامه سید محمدحسین حسینی تهرانی در مقدمه «توحید علمی و عینی» شرح احوال نسبتاً مفصلی را از سید احمد می آورد و می نگارد.

مرحوم آیت الله حاج سیداحمد تهرانی کربلایی از اعظام فقها و شیعه امامیه و از بزرگان حکمت و عرفان الهی بوده است، اما در حکمت و عرفان همین بس که پس از رحلت مرحوم عارف بی بدیل و حکیم مربی و مدرس وحید و فقیه عالیقدر حضرت آیت الله العظمی آخوند مولى حسینقلی همدانی رضوان الله علیه در نجف اشرف با عدیل و همدریف خود مرحوم حاج شیخ محمد بهاری در میان سیصد تن از شاگردان آن مرحوم از میرزترین شاگردان و از استادان وحید این فن بوده اند و پس از مهاجرت آیت الله بهاری به همدان، یگانه عالم اخلاق و مربی نفوس و راهنمای طالبان حقیقت در طی راه مقصود و ورود به سبل سلام و ارائه طریق لقای حضرت احدیت و سیر در معارج و مدارج کمال نفس انسانی و ایصال به کعبه مقصود و حرم معبود بوده است. شرح فضائل او از وصف خارج است، چه در میان علمای نجف اشرف و خواصی که با وی رفت و آمد داشته اند این مطلب معلوم است.

مرحوم علامه حسینی تهرانی نیز در باره مقام علمی و فقاہتی وی می نویسد: «اما راجع به علم و فقاہت، تزلع در علوم رسمی همین بس که در سن چهل سالگی او را نامزد برای مرجعیت شیعیان کردند و همه متفق القول او را به نبوغ علمی و تقوای روحی قبول داشتند، ولی مع ذلک خود او حاضر نشد نه فتوی دهد و نه رساله بنویسد و حتی از نماز جماعت هم در ملأ

آیت الله سیدهاشم میردامادی(ره) جد مادری مقام معظم رهبری درباره استاد خود چنین می گوید: «این مرد (مرحوم حاج سیداحمد کربلایی) همواره حال انقطاع و توجه به خدا داشت گاهی با شاگردان مشغول صحبت بود و می خندید، در بین صحبت و خنده یک باره توجهی به خدا پیدا می کرد و از گوشه های چشم وی اشک جاری می شد و در آن حال به احدی توجه نداشت».

شاگردان

- ۱- آیت الله سیدعلی قاضی طباطبائی (ره) (متوفای ۱۳۶۹ق).
 - ۲- آیت الله سیدمحسن امین عاملی (ره) (متوفای ۱۳۷۱ ق).
 - ۳- آیت الله سیدمحمد کاظم لواسانی معروف به عصار (متوفای ۱۳۹۶ ق).
 - ۴- آیت الله شیخ آقا بزرگ تهرانی (متوفای ۱۳۸۹ ق).
 - ۵- آیت الله محمد حسین شیرازی (متوفای ۱۳۳۹ق).
 - ۶- آیت الله میرزا ابوالحسن شریعتمداری رشتی (متوفای ۱۳۶۸ ق).
 - ۷- آیت الله محمدرضا نائینی (متوفای ۱۳۶۱ ق).
 - ۸- آیت الله محمدرضا فرقانی (متوفای ۱۳۹۳ ق).
 - ۹- آیت الله شیخ محمدتقی بانقی (متوفای ۱۳۶۱ق).
 - ۱۰- آیت الله سیدمحمدعلی حسینی تفرشی (متوفای ۱۳۵۸ق).
 - ۱۱- آیت الله شیخ اسماعیل تبریزی مسئله گو معروف به تائب (متوفای ۱۳۷۶ ق).
 - ۱۲- آیت الله سیدابوالقاسم لواسانی.
 - ۱۳- آیت الله سیدجمال الدین گلپایگانی.
 - ۱۴- آیت الله میرزا عبدالله سعید تهرانی.
 - ۱۵- آیت الله سیدشهاب الدین مرعشی نجفی(متوفای ۱۴۰ ق).
 - ۱۶- آیت الله میرزا مهدی اصفهانی(متوفای ۱۳۶۵ ق).
 - ۱۷- آیت الله سیدهاشم میردامادی نجف آبادی (جد مادری مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای مدظله).
 - ۱۸- آیت الله میرزا محمود امام جمعه زنجان (متوفای ۱۳۷۶ ق).
 - ۱۹- آیت الله حاج آقا حسین قمی (متوفای ۱۳۹۹ ق).
 - ۲۰- آیت الله شیخ عباس قوچانی.
- آثار و تألیفات

از این عارف بزرگ چهار اثر ثبت شده است که به بررسی آنها می پردازیم:

۱- نوشتجاتی در فقه و اصول: مرحوم سیدمحسن امین در گزارش خود فقط به همین مقدار اکتفا کرده است که وی دارای نوشتجاتی در فقه و اصول بوده است. به نظر می رسد بخشی از آنها تقریر دروس فقه و اصول استادان بزرگی چون میرزای شیرازی و میرزا حبیب الله رشتی و دیگران است که از محضرشان بهره برده است و شاید نوشتجاتی نیز از آراء خود در فقه و اصول بوده که متأسفانه تاکنون اثری از آنها و محتویاتشان به دست ما نرسیده است.

۲- اجازات: اجازه استاد به شاگرد و اجازات گوناگون علماء به یکدیگر نقش بسیار مهمی در انتقال نسل به نسل احادیث ائمه اطهار (ع)، ایفا کرده است، اگر چه امروزه بیشتر جنبه تشریفاتی دارد. سید احمد کربلایی نیز به تبع سلف صالح خویش اجازات متعددی به شاگردان خویش داده است، از جمله آن اجازه نامه متوسطی است که ایشان به شاگرد خویش مرحوم آیت الله محمد حسین بن میرزا خلیل الله بن الشیخ اسدالله بن الشیخ محمد علی بن الشیخ مفید شیرازی (متوفی سال ۱۳۳۹ ق) داده اند.

آقا بزرگ تهرانی این اجازه را درذریعه با عنوان مستقل «اجازه» ذکر کرده است. گفتنی است که خود صاحب ذریعه علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی و آیت الله میرزا ابوالحسن شریعتمداری رشتی و آیت الله سیدمحمدعلی حسینی تفرشی از سید احمد کربلایی اجازه روایی داشته اند.

ناگفته نماند که سیداحمد خود نیز از بعض استادان و معاصران خویش صاحب اجازه روایت بوده است؛ کسانی مانند استاد بزرگ ایشان ملاحسینقلی همدانی و آیت الله میرزا محمدحسین خلیلی تهرانی و آیت الله شیخ ملاعلی خاقانی آیت الله محمد بهاری همدانی و ملافتحعلی اراکی سلطان آبادی از مشایخ روایی وی هستند.

۳- مکاتبات عرفانی: این مکاتبات مشتمل است بر مباحث عالی عرفان نظری و فلسفه از دو عالم و حکیم بزرگ یکی عارف نامدار آقا سیداحمد حائری تهرانی و دیگر استاد و نابغه عصر خود فقیه و اصولی و حکیم فاضل آقا شیخ محمد حسین غروی اصفهانی در مقام بیان معنا و شرح یک بیت از منطق الطیر عطار نیشابوری است. سبب پیدایش این مکاتبات این است که یکی از طلاب جوان با ذوق حوزه علمیه نجف به نام شیخ اسماعیل تائب تبریزی که خود از شاگردان مرحوم سید احمد حائری است، ابتدا در نامه ای معنای یک بیت از دیوان عطار نیشابوری معروف به منطق الطیر را از مرحوم آخوند خراسانی استفتاء می کند شعر عطار این است:

دائماً او پادشاه مطلق است در کمال عز خود مستغرق است
او به سرناید ز خود آنجا که اوست کی رسد عقل وجود آنجا که اوست؟

مرحوم آخوند خراسانی صاحب کفایه الاصول جواب مختصری می دهند، اما پاسخ وی سائل را قانع نمی کند و سائل همان شعر را از مرحوم شیخ محمدحسین اصفهانی می پرسد و ایشان جواب مفصلی می نگارد. سائل پاسخ مرحوم اصفهانی را نزد عارف سیداحمد کربلایی ارائه می دهد و ایشان نیز جوابی می نویسد. از آنجا که جواب ها با هم مغایرند سائل پاسخ هریک را نزد دیگری می برد و مناظره و مباحثه علمی دامنه داری را بین این دو عالم بزرگ بر می افروزد که حاصل آن تبادل (۱۴) رساله و نامه بین آنان است.

۴- مکاتبات اخلاقی

یکی از شاگردان دروس اخلاقی و عرفان ایشان، مرحوم شیخ اسماعیل تبریزی معروف به تائب ضمن جمع آوری نامه ها و نوشته های مرحوم آیت الله شیخ محمد بهاری همدانی به جمع آوری نامه های عرفانی نامدار دیگری چون ملاحسینقلی همدانی و آقا محمد بیدآبادی و سیداحمد کربلایی پرداخت و آنها را در مجموعه ای به نام «تذکره المتقین» به چاپ رسانید.

نامه های عرفانی و دستورالعمل های سیر و سلوک ایشان شامل چهار نامه است که وی به درخواست کسانی که از او دستورالعمل و راهنمایی در مسیر سیر و سلوک خواسته اند نگاشته است و متضمن بیان شرایط و آداب سلوک و بیان اذکار و اورادی است که سالک باید در این راه از آنها بهره گیرد و تأکید بر مطالعه در کتاب وجود خویش با بهره گیری از آیات و روایات است. نامه ها به تناسب روحیات مخاطبان آن متفاوت است. در یک نامه به ارائه دستورالعمل ها و نصایحی چند اکتفا می کند و نامه دیگر شلاقی است آتشین بر جان مخاطبی که بدون پذیرش رنج و زحمت چشم داشت الهام و اشراق را دارد و در قالب الفاظی تند او را مخاطب قرار می دهد. نمونه هایی از دستورالعمل های اخلاقی

حضور عارف بزرگوار آقا سیداحمد کربلایی در محضر درس اخلاقی معروف ملاحسینقلی همدانی و بهره گیری از دستورالعمل های ایشان و همنشینی با عرفای بزرگی از شاگردان او مانند شیخ محمد بهاری همدانی و همچنین مکاشفات عرفانی و تهجد های طولانی و طاقت فرسا از او عارفی بلند مرتبه ساخته است.

۱- یاد مرگ

طالب حق جل و علا را از مرگ، خسرانی نرسد که «و من یخرج من بینه محاجرا الی الله و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع أجره علی الله» بلکه زودتر رسیدن به مطلوب است. مارا ز جام باده گلگون خراب کن ز آن پیشتر که عالم فانی شود خراب

۲- تفکر در نفس

(معرفت نفس): و چون از ذکر مانده و خسته شود سربه گریبان تفکر فرو برده فکر کند که من کی ام و کجایم از کجا آمده و به کجا می روم؟ و چنان در خود فرو رود که خود را یافت نماید که گویا در عالم وجود کسی نیست و از حضور باری جل و علا مسئلت کند که خداوندا خودم را به خودم بشناسان. جان من به لب آمد از گفتن اینکه راه نجات و خلاص در استغراق ذکر الهی و تفکر در معرفت نفس و خودشناسی است و ذکر و فکر خود رهنمای تو خواهد شد.

کمال اهتمام طالب بعد از توجه به حضرت حق جل و علا که تعبیر از آن به ذکر می شود، معرفت قلب و نفس است که تعبیر می شود به تفکر در نفس که «من عرف نفسه فقد عرف ربه»: «و فی انفسکم أفلا تبصرون و سزیهم آیا تنا فی الافق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق»

۳- ادا واجبات و ترک محرمات

۴- مراقبه و محاسبه و مجازات

طالب حضرت حق جل و علا را شایسته آن است که چون عزم بر خوابیدن کند محاسبه اعمال و افعال و حرکات و سکنت صادره از خود را از بیدار شدن شب سابق تا آن زمان تمام و کمال انجام دهد و از معاصی و اعمال ناشایسته واقعه از خود پشیمان شده و توبه حقیقی کرده و عزم بر آنکه انشاء الله در ما بعد به آن بازگشت نکند بلکه آن را جبران کند.

۵- توجه و توسل به امام زمان (عج)

ان شاء الله تعالی مواظبت بر دوام توجه و توسل به حضرت حجت عجل الله فرجه که واسطه فیض زمان است ملحوظ داشته و بعد از هر نماز دعای غیبت که «اللهم عرفنی نفسک ...» و سه سوره توحید هدیه به آن بزرگوار و دعای فرج «اللهم عظم البلاء ...» را ترک نکند.

۶- خلوت با خدا

در هر شبانه روز به ساعت خلوتی با خدا پردازد و با مناجات و تضرع و خضوع به خدا توجه کند.

۷- تهجد و نماز شب

مواظبت به تهجد و برخاستن سحر و اشتغال به نافله شب با کمال حضور و اقبال. دعای صحیفه را بعد از نماز شب ترک نکند.

۸- دائماً با وضو بودن

۹- احساس حضور حق تعالی

در همه احوال و در جمیع حرکات و سکنت، حضرت حق جل و علا را حاضر و ناظر دانسته به قسمتی که اگر ممکن باشد آنی و طرفه العینی از حضور آن حضرت جل سلطانه غافل نشود.

۱۰- اهمیت خودشناسی

راه نجات و خلاص، استغراق در ذکر الهی تفکر در معرفت نفس و خودشناسی است.
مرگ زودرس

روز جمعه ۲۷ شوال ۱۳۳۲ هجری قمری روزی غمبار برای حوزه علمیه هزار ساله نجف اشرف بود. در این روز سیداحمد کربلایی در میان چشمان ناباور علما و مراجع و شاگردانش به سوی آسمان پر کشید. وی مدت ها بود که از بیماری سل رنج می برد و به وسیله مادر خویش پرستاری می شد.